

خیمه‌ها و سراپرده‌های تیموری به روایت *ظفرنامه* یزدی و *سفرنامه* کلاویخو

محسن ناصری^۱

زینب صادقی^۲

چکیده

تاریخ‌نامه‌ها از آن حیث که در خلال روایت روی‌دادها ناگزیر از اشاراتی به بستر حدوث وقایع نیز هستند، گاه با توصیفاتی از مصنوعات انسان همراه می‌شوند، که از این رو در زمره منابع درجه‌اول پژوهش در باب مظاهر فرهنگ و هنر قرار می‌گیرند. یکی از این مظاهر، سازه‌های چادری است که در عصر تیموری متداول بوده و در تاریخ‌نامه‌های این دوران از جمله *ظفرنامه* یزدی، واژگان اصیل و متنوعی برای اشاره به انواع آن‌ها به کار رفته است. اما به علت رایج بودن کاربرد این مصنوعات در عصر تألیف و کم‌اهمیت بودن پرداختن به جزئیات چنین اموری در نگارش تاریخ‌نامه‌های درباری، این سازه‌ها به طور مختصر و به مدد آرایه‌های ادبی وصف و تشبیه شده‌اند، که این قلت توصیف، مانع شناخت بسیطی از ویژگی‌های ظاهریشان می‌شود. خوشبختانه این کاستی را توصیفات *سفرنامه* کلاویخو، کتابی هم‌عصر *ظفرنامه*، مرتفع ساخته است. از آنجایی که جهان‌گردان و سفرنامه‌نویسان به امور خارج از رویه معمول سرزمین خود با علاقه بیشتری می‌پردازند، کلاویخو، سفیر دربار اسپانیا، نیز در شرح سفر خود به قلمرو تیمور، سازه‌های چادری آن دوران را به تفصیل توصیف کرده است. نوشتار حاضر، به روش کتابخانه‌ای، ابتدا به استخراج نام اصیل انواع سازه‌های چادری از درون متن *ظفرنامه* پرداخته و کاربرد مشخص هر واژه را بر پایه سیاق آن معلوم می‌کند، سپس با مقابله مضامین مشترک

^۱ مربی گروه طراحی و چاپ پارچه دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول) m_naseri@semnan.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران دانشگاه شهید بهشتی saadeqi.zeinab@gmail.com

ظفرنامه و سفرنامه کلاویخو، جزئیات بیشتری از آن‌ها عرضه و معلوم می‌کند برخی از این واژگان تا رسیدن به عصر حاضر، در اثر گذشت زمان و از دست رفتن مصداق، فراموش شده و یا معنایشان تغییر کرده است.

اهداف پژوهش:

۱. آشنایی با نام‌های اصیل و مرسوم هر یک از انواع سازه‌های چادری در دوره تیموری، که امروزه بر اثر گذشت زمان و از دست رفتن مصداق‌ها، فراموش شده و یا معنایشان به طور کلی قلب شده است؛ به مدد یک منبع کهن فارسی مربوط به همان دوران (ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی).

۲. شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات سازه‌های مختلف چادری در دوره تیموری، بر اساس مقابله دو منبع تاریخی معاصر و دارای دیدگاه‌های متفاوت، به طوری که کاستی‌های یکدیگر را جبران کنند: یک تاریخ‌نامه فارسی (ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی) و یک سفرنامه خارجی (سفرنامه کلاویخو).

سوالات پژوهش:

۱. در دوره تیموری، چه نوع سازه‌های چادری مرسوم بوده و چه واژگان اصیلی برای نامیدن هر یک از آن‌ها به کار می‌رفته است؟

۲. ویژگی‌های هر یک از انواع مختلف سازه‌های چادری متداول در دوره تیموری اعم از کاربرد، نحوه برپایی، شکل، ابعاد، جنس پارچه‌های به کار رفته و نقوش و تزئینات آن‌ها چه بوده است؟

واژگان کلیدی: دوره تیموری، سراپرده، خیمه، بارگاه، خرگاه، سایبان.

مقدمه

از جمله منابع تحقیق در حوزه وسیع فرهنگ و هنر ایران، متون کهن فارسی و ذیل آن‌ها تاریخ‌نامه‌ها هستند. تاریخ‌نامه‌ها مجموعه‌ای از روی‌دادهایی را روایت می‌کنند که بر مردم یک عصر گذشته است و از آنجا که حوادث و وقایع زندگی انسان غالباً در میان مظاهر فرهنگی و ساخته‌های وی اتفاق می‌افتد، شرح آن روایات با توصیف کم و بیش این ساخته‌ها همراه است. بر این اساس می‌توان یکی از راه‌های تحقیق تاریخی دربارهٔ سازه‌های چادری را، که از مظاهر زندگی کوچ‌نشینی و مقام موقت است، پیگردی در متون تاریخ‌نامه‌هایی دانست که در دوران رونق و رواج این ساخته‌ها تألیف شده‌اند؛ از جمله دورهٔ تیموری که از دوران تداول سازه‌های چادری به شمار می‌آید و در سرتاسر این دوران، سنت زندگی کوچ‌نشینی در دربار تیمور و اخلاف او حفظ شده است (اکین، ۱۹۹۳: ۲۴۹). خیمه‌ها و سراپرده‌های تیمور از چنان جلال و شکوهی برخوردار بود که توجه غالب کاتبان و نقاشان عصر را به خود جلب می‌کرد؛ به طوری که بر اساس جزییات و اطلاعات داده شده در منابع متنی و تصویری به جای مانده از این دوران، می‌توان این سازه‌های چادری را به تصویر کشید (اندروز، ۱۹۸۰: ۵۴۴).

از جمله این منابع متنی، *ظفرنامه*، تاریخ‌نامه‌ای است که شرف‌الدین علی یزدی در قرن پانزدهم/ نهم در باب زندگانی تیمور نوشته است. وی تألیف این کتاب را در سال ۸۲۸/۱۴۲۴ به دستور ابراهیم سلطان، نوهٔ تیمور، آغاز کرد و نگارش آن را با استناد به سخن ثقه و برخی منابع متنی دیگر، از جمله *ظفرنامه* نظام‌الدین شامی، در سال ۸۳۱/۱۴۲۷ به پایان رساند (یزدی، ۱۳۸۷: ۴۷-۵۰). از آنجایی که تیمور بیشتر عمر خود را، در سفر و حضر، درون سازه‌های چادری می‌گذراند، وصف زندگی او ناگزیر با وصف اقامتگاه‌های او و ایل و سپاهیان‌ش توأم است، و از این لحاظ منبع خوبی برای آشنایی با انواع سازه‌های چادری و واژگان و نام‌های مرسومشان در آن دوره به شمار می‌رود.

تمرکز یزدی در این کتاب، همچون دیگر تاریخ‌نویسان وابسته به دربار، بر روی شرح لشکرکشی‌ها، فتوحات و افتخارات خاندان سلطنتی بوده و برای او اتفاقات عادی و روزمره مربوط به مردم ارزش ثبت و ضبط نداشته است. اما پرداختن به سازه‌های چادری و توصیف آن‌ها، هرچند مختصر و در لفافه آرایه‌های ادبی، بدین معناست که اردوهای تیمور و مصنوعات آن نیز، همچون فتوحات و کشورگشایی‌های وی، نشان مهم خاندان سلطنتی محسوب می‌شده و شایسته قید شدن در *ظفرنامه* بودند (اکین، ۱۹۹۳: ۲۵۱).

گزارش دیگری از سازه‌های چادری اردوهای تیمور، *سفرنامه کلاویخو*^۳ است که حاوی جزئیات بیشتری از سازه‌های چادری، نسبت به *ظفرنامه* است. گزارش او، در سمت یکی از سه سفیر فرستاده شده از جانب شاه کاستیل، شرح ملاقات‌هایش با تیمور در سال ۱۴۰۴ در سمرقند و اطراف آن است. (ویلبر، ۱۹۷۹) ورود کلاویخو به سمرقند، با برپایی جشن‌ها و ضیافت‌های ازدواج فرزندان و نوه‌های تیمور در محل کانِ گِل، هم‌زمان بود و کلاویخو شخصاً در این مراسم حضور داشت. به این علت گزارش مبسوط وی اطلاعات قابل اعتماد و ارزشمندی را در اختیار قرار می‌دهد. توصیفات وی نشان می‌دهد که چطور چنین نمایش‌های مجللی، راهی برای جلوه قدرت و شوکت یک امپراتور بوده است (اکین، ۱۹۹۳: ۲۵۱).

برای تنظیم مقاله حاضر از ترجمه فارسی *سفرنامه کلاویخو* استفاده شده است که در عین مفید بودن، دو ایراد نیز در بر داشت؛ اول آن که در ترجمه فارسی برای نامیدن سازه‌های چادری، از واژگان متداول عصر ترجمه استفاده شده است که به طور کامل با لغات اصیل *ظفرنامه* متفاوت بوده و به این ترتیب تطابق این دومنبع را قدری دشوار می‌سازد. دیگر آن که ترجمه فارسی این کتاب از روی نسخه انگلیسی لسترنج انجام شده، که در برخی قسمت‌ها با نسخه اصلی

^۳ *Narrative of the Embassy of Ruy Gonzales de Clavijo to the Court of Timour at Samarcand*

اسپانیایی در تعارض بوده و قابل اعتماد نیست (اندروز، ۱۹۸۰: ۵۶۲). به همین منظور در جاهایی که احتمال کج فهمی وجود داشته است، از اولین نسخه انگلیسی *سفرنامه کلاویخو* با ترجمه سی. آر. مرخم^۴، که تطابق بیشتری با نسخه اصلی دارد، استفاده شده و یا به رساله دکتری پیتر اندروز با عنوان *خیمه‌های منسوج در آسیای مرکزی: سنت صحرانشینی و تأثیر متقابل آن بر خیمه‌های سلطنتی*^۵، که در تألیف آن به نسخه اسپانیایی *سفرنامه کلاویخو* استناد شده، مراجعه شده است.

در آخر نیز، برای روشن تر شدن ابهام در توصیفات، تأیید درستی آن‌ها و یا توضیح بیشتر در مورد هر یک از سازه‌های چادری، از نگاره‌های منسوب به کمال‌الدین بهزاد در نسخه‌ای خطی از *ظفرنامه* به تاریخ ۹۳۵، بهره برده شده است. این نسخه به کتابت سلطان نور محمد انجام شده است و در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود.

قدمت سازه‌های چادری

سازه چادری میراث سنت بسیار کهن زندگی کوچ‌نشینی است که در میان زندگی یکجانشینی، امری متداول بوده است. محققان قدمت حضور این مصنوعات را در سرزمین ایران حداقل تا دوران هخامنشیان تعیین کرده‌اند. (ویلبر، ۱۹۷۹: ۱۳۰)

تا قرن بیستم/چهاردهم، صورت زندگی کوچ‌نشینی در دربار ایران تفوق داشت. کوچ‌های فصلی علاوه بر تأمین چراگاه، تدبیری برای رهایی از گرما و سرمای شدید نیز محسوب می‌شد. جدا از این الزامات، علت دیگر کوچ کردن و زندگی کوچ‌نشینی، ترجیح زیستن در در دشت‌های فراخ بیرون از شهر نسبت به محدود شدن در درون حصارهای آن بود، که به فرمانروایان اجازه می‌داد به لذت‌بخش‌ترین تفریح صحرانشینی، یعنی شکار، پردازند. (اکین، ۱۹۹۳: ۲۴۹)

^۴ C. R. Markham

^۵ Peter Alford Andrews, *The Felt Tent in Middle Asia: The Nomadic Tradition and its Interaction with Princely Tentage*

عنوان مقاله: خیمه‌ها و سرپرده‌های تیموری به روایت *ظفرنامه یزدی* و *سفرنامه کلاویخو*

تیمور نیز از آن دسته حکمرانانی بود که بر طبق آداب و رسوم زندگی ایلی و صحرائشینی بزرگ شده بود و با وجود برگزیدن سمرقند به عنوان پایتخت خود، هرگز از زندگی در خیمه‌ها و اردوگاه‌های سلطنتی دست نکشید. او بیشتر عمر خود را در جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها سپری کرد، اما هرزمان که به پایتخت و یا سایر شهرهای قلمرو حکمفرمایی‌اش می‌رفت، در آن شهرها ساکن نشده و در اردوهای بیرون دیوارهای شهر اتراق می‌کرد؛ در همان اردوها تصمیمات سیاسی و نظامی اتخاذ می‌کرد، به فرستادگان خارجی بار داده، امور مردم را رسیدگی کرده، پیروزی‌ها و مراسم ازدواج جشن گرفته و برای نشان دادن قدرت خود و تحت تأثیر قرار دادن دیگران نمایش‌های شکوهمندی برپا می‌کرد. (گرونکه، ۱۹۹۲: ۱۸-۱۹)

انواع سازه‌های چادری

در کتاب *ظفرنامه* سازه‌های چادری با نام‌های متنوعی ثبت و ضبط شده‌اند؛ از جمله سراپرده، خیمه، کُندلان، بارگاه، خرگاه، وُثاق، تُتُق، سایبان و شامیانه. توجه به سیاق این واژگان نشان می‌دهد که هر کدام از آن‌ها به نوع خاصی از سازه‌های چادری اشاره داشته‌اند که صورت و کارکرد متفاوتی با دیگری داشته است. امروزه به جای غالب واژگان یادشده، لفظ «چادر» مصطلح شده است؛ در حالی که چادر در این کتاب — به تسامح، در آن دوران — چنین معنا و کاربردی نداشته و بر مصداقی غیر از آن دلالت می‌کرده است. واژه چادر در کتاب *ظفرنامه* فقط دو بار به کار رفته است؛ در یک فقره آمده است که «در حال سلطان چهار تکبیر فنا بر سلطنت خواند و عروس مملکت را سه طلاق بر گوشه چادر بست، چنانچه رجعت در آن صورت نمی‌بست.» (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۱۲۰) و بار دیگر نقل شده است که:

«در آن زمان که بود بیم جان، شگفت مدار به زیر چادر ناهید اگر خزد بهرام» (یزدی، ج ۲، ۱۳۳۶: ۷۹)

در هر دو مورد ذکر شده، مقصود از چادر، پارچه‌ای برای پوشش زنان بوده است و نه صورت خاصی از بناهای سبک. اصطلاح «سازه چادری»، که در این نوشتار به کار رفته است، به طور عام انواع سازه‌های موقت و قابل حملی را شامل می‌شود که به منظور پوشش آن‌ها، بر رویشان چادر سببه معنای پارچه‌ای برای پوشاندن- کشیده شده و از مظاهر زندگی کوچ‌نشینی به شمار می‌روند. هر یک از این سازه‌ها، که در *ظفرنامه* بر مبنای تفاوت در صورت و کارکرد به نام‌های مختلفی خوانده شده‌اند، در ادامه معرفی شده و تعریف و توصیف آن‌ها به کمک *سفرنامه کلاویخو* و نگاره‌هایی منسوب به کمال‌الدین بهزاد کامل‌تر می‌شوند:

۱. سراپرده (پرده‌سرای)

در سراسر کتاب *ظفرنامه* واژه «سراپرده» و در یک مورد «پرده‌سرای»، مجازاً به معنای حریم و یا حرم‌سرا به کار رفته است؛ چنان‌که بیت زیر، که در مدح تیمور سروده شده است، قبای او را از حیث حریم بودن به سراپرده تشبیه کرده است.

«قبایش حریم کمال و جمال سراپرده رحمت ذوالجلال» (یزدی، ج ۲، ۱۳۳۶: ۵۲۶)

در واقع معنا و کارکرد سراپرده، حصار پارچه‌ای و بدون سقفی بوده است که همچون دیواری، محوطه‌ای را برای برافراشتن خیمه‌های مخصوص شاه یا شاهزادگان و همسران آن‌ها تعریف و از سایر قسمت‌های اردو جدا می‌کرده است. مثال زیر به روشنی سراپرده را حصار معرفی کرده است:

«سراپرده شاه چرخ‌اقتدار زمین را کشیده ز دیبا حصار» (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۳۵۲)

سراپرده، که در اصل متعلق به قبایل ترک آسیای مرکزی بوده است (اندروز، ۱۹۸۰: ۵۴۴)، در این کتاب هیچ‌گاه برای عموم مردم و لشکریان به کار نرفته است و ترکیبات وصفی آن از جمله «سراپرده شاه/ شاه صاحب‌قران/ شهریار/ شاه

گیتی پناه/ شاه چرخ اقتدار»، «سراپرده سلطنت و جاه»، «سراپرده عظمت و جلال»، «سراپرده کیهان فسحت»، «سراپرده ابهت و جلالت»، «سراپرده خسروانه»، «سراپرده ابهت و تمکین»، «سراپرده عظمت و کامگاری» نشان دهنده تعلق آن به خاندان سلطنتی و شاهزادگان و امرای با ابهت و جلال بوده است (یزدی، ج ۲، ۱۳۸۷: ۱۲۵۸).

همچنین جمله «سراپرده عظمت و کامگاری با طناب دولت و بختیاری استوار کرده، به اوج سعادت برافراختند.» (یزدی، ج ۲، ۱۳۳۶: ۳۶) بیان می‌دارد که سراپرده را به کمک طناب‌هایی به زمین مهار می‌کردند. به علاوه، تصویر ۱، نگاره‌ای



تصویر ۱: به عز سباط بوس رسیدن فرستادگان قیصر روم در جلگه سیواس (یزدی، ۹۳۵ق: ۵۹۴)

که ملاقات فرستادگان قیصر روم با تیمور را به تصویر کشیده است و نیز توصیفات کلاویخو از سراپرده‌های اردوی کان گیل، سراپرده را حصار دروازه‌دار و کنگره‌دار همچون دژ یک شهر، از پارچه پر از نقش و نگار معرفی کرده‌اند که به کمک ستون‌هایی در درون پارچه جداره، استوار ایستاده و طناب‌هایی آن را مهار کرده بودند. کلاویخو

جزئیات بیشتری از سراپرده خانم بزرگ، همسر اول تیمور (۱۳۳۷: ۲۴۶)، بدین شرح ذکر کرده است:

این دیوار برزنتی، زمینی را در میان گرفته است که درازای آن تقریباً سیصد گام می‌شود و بلندی دیوار مزبور تا سر سواری است که بر اسبی نشسته باشد. این حصار دروازه‌ای بزرگ دارد که از برزنت ساخته‌اند، این دروازه بسیار بلند است و می‌توان آنرا بست و قفل کرد. بر فراز این دروازه، برجی است از برزنت با کنگره‌ها و کمینگاه‌ها. دیوارهای مزبور پر است از نقش‌ها و آرایش‌های گوناگون که در پارچه کرده‌اند و نیز دروازه بزرگ و برج آن، که اینک از آن سخن گفتیم، با شیوه‌ای دیدنی‌تر و تماشایی آرایش شده است. (۱۳۳۷: ۲۴۴)

کلاویخو سپس شرح می دهد در نزدیکی این محوطه محصور، سراپرده دیگری به همان بزرگی، متعلق به خانم کوچک همسر دوم تیمور (۱۳۳۷: ۲۴۶)، از پارچه ابریشمی بر پا شده بود؛ با ظاهری که گویی نقش هایی بر روی کاشی رسم کرده بودند. در دیواره حصار این سراپرده «در فواصل معین، پنجره هایی گشوده بودند که با در بسته می شد. اما از این پنجره ها کسی نمی توانست به درون راه جوید. زیرا هرگاه که درهای آنها نیز باز بود، از داخل بوسیله پرده ای مشبک با نوارهای نازک ابریشمی محفوظ بود». (۱۳۳۷: ۲۴۵) او تعداد سراپرده های اردو را یازده عدد می شمرد که هر کدام از آنها حرم سرای یکی از زنان تیمور و یا نوه های او بودند. حصارها همه از پارچه سرخ ساخته شده ولیکن هر یک با نقش و رنگی خاص مزین شده بودند. این یازده سراپرده چنان به هم نزدیک بودند که در میان آنها فقط راه باریکی وجود داشت. (۱۳۳۷: ۲۴۷)

کلاویخو شرح مبسوطی از چگونگی صورت و تزئینات سراپرده ها بیان می کند. جزئیاتی که وی از دو سراپرده دیگر نقل کرده است، هیئت آنها را نمایان تر ساخته و به وظیفه حراست آنها از محوطه داخل اشاره می کند:

تجیرها از پرده های سرخ گلدوزی شده ساخته شده بود که بر آنها نقش های بسیار زیبایی که با نخ زری دوخته شده بود، رسم کرده بودند. این تجیرها خیلی بلندتر از تجیرهای حصارهای دیگر بودند و دروازه های آنها بسیار بلندتر از دروازه های دیگر حصارها بودند. بر فراز هر دروازه ای گنبدی بود و بر فراز آن نیز برج کوچکی که هر دو از نوع پارچه ساخته شده و بر هر دوی آنها با نخ زری نقوش بدیعی دوخته شده بود. درهای دروازه ها با پرده هایی که بر آنها نیز نقوش با نخ زری گلدوزی شده بود، ساخته بودند. این برج کوچک بالای گنبد زیرین برج چهارگوش بود که در پیرامون آن کنگره هایی قرار داشت. قماش که در ساختن این برجک به کار رفته بود همان است که با آن دیگر قسمت های دروازه را ساخته بودند. (۱۳۳۶: ۲۵۵-۲۵۶)

در مقابل این دروازه ها و بر فراز برج های ذکر شده، همواره نگهبانانی ایستاده بودند که از محوطه داخل سراپرده محافظت می کردند. شاید چنین حصارهای رفیع و برج ها و دروازه هایی بیش از آن که زنان درباری را از انظار به دور دارد، نقش

حفاظت و حراست از محوطه‌ها را بر عهده داشته است؛ چه این زنان بدون حجاب و در میان مردم نیز حضور می‌یافتند (اندروز، ۱۹۸۰: ۵۴۷).

یکی از دلایل تنوع و گوناگونی در خصوصیات سراپرده‌ها از جمله جنس پارچه و نقوش و تزئینات آن‌ها، بدان سبب بوده است که سراپرده‌ها، در کنار دیگر انواع سازه‌های چادری، از جمله هدایایی بودند که به تیمور پیشکش می‌شد (یزدی، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۵۴-۲۵۵) و یا وی در لشکرکشی‌ها و غارت‌ها به غنیمت می‌برد (یزدی، ۱۳۳۶، ج ۲: ۲۱۶-۲۱۷). بنابراین از اقصا نقاط قلمرو تحت سلطه او، که منطقه‌ای وسیع با خصوصیات فرهنگی متنوع بود، گردآوری شده و بدین ترتیب هر یک ویژگی‌های خاصی داشتند. اگرچه، سراپرده در اصل ریشه در سنن قبایل ترک آسیای مرکزی داشته است و حداقل دو قرن پیش از تیمور، در سرزمین مغول رواج داشته است و از آنجا به دیگر نقاط رواج یافته است (اندروز، ۱۹۸۰: ۵۴۴).

از تشبیه استعاری زیر در باب تغییر فصول، می‌توان به جایگاه برپایی سراپرده در توالی آیین جلوس همایونی پی برد: و در زمانی که جهان از جور استیلای قهرمان شتا خلاص یافته، سلطان گردون سریر آفتاب به تخت شرف برآمد و در ممالک بساتین از برای خسرو ریاحین اورنگ فیروزه‌فام گلبن را به پیروزی بیاراستند، فراش ظفر به ترتیب آئین جلوس همایونش قیام نموده، عرصه گیتی را از غبار وحشت و اندوه پرداخته، سراپرده سلطنت و جاه را پیرامون بسیط ربع مسکون درکشید و قبه بارگاه رفعت و جلال را از سایبان سپهر گذرانیده، بساط امن و امان بگسترید. سریر سلطنت را به چهار قائمه قرار و دوام و احتشام و افتخار ممکن و استوار ساخت و تاج شاهی به جواهر عزت و شوکت و یواقیت حشمت و عظمت مرصع کرده، بپرداخت. (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۱۵۷)

چنان‌که از نظم زیر پیدا است در درون هر سراپرده، انواع سازه‌های چادری از جمله خیمه، خرگاه، بارگاه و سایبان برپا می‌شده است که همان‌طور که پیش‌تر گفته شد به خاندان سلطنتی و یا بزرگان و همسران آن‌ها تعلق داشته است. این سراپرده از جنس دیبای زرنگار، محوطه‌ای به طول سه فرسنگ را محصور کرده بود:

سراپرده از دیبه زرنگار
بسپت زمین در سراپرده گم
زده هر طرف خیمه و سایبان

درو خیمه و خرگه بی شمار
درو بارگه رشک چرخ نهم
سه فرسنگ راه از کران تا کران (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۳۹۳)

۲. خیمه (خیام)؛ کندلان

شواهد موجود در *ظفرنامه* نشان می‌دهد که واژه «خیمه» و جمع آن «خیام»، بدان قسم از سازه‌های چادری اطلاق می‌شده است که به کمک ستونی در میانه سقف برپا و با طناب‌هایی به زمین مهار می‌شده است؛ از جمله در روایت زیر:

«ز رفعت به گردون برابر خیام
ستون‌های آن خیمه‌ها سیم خام

[...] و تمام حکام و کلان‌تران و سایر خلایق از اطراف و اکناف ممالک جمع آمدند و اطنبۀ خیام انتظام و احتشام بر

حسب کام و مرام در هم کشیدند.» (یزدی، ج ۲، ۱۳۳۶: ۴۲۵)



تصویر ۲: نهضت همایون حضرت صاحب‌قران به جنگ توقتمش خان

(یزدی، ۹۳۵ق: ۲۴۵)

از تصویر ۲، که جنگ سپاه تیمور با توقتمش خان را ترسیم کرده است و نیز جمله «اراضی بیلقان مرکز اعلام فرقدفرسای و مضرب خیام عساکر گیتی‌گشای بود» استنباط می‌شود که خیمه برای لشکریان استفاده می‌شده است. علاوه بر آن، تصویر ۳ و شاهد متنی دیگری از *ظفرنامه*، گواه به کاربردن خیمه برای شاه نیز هست:

«نهاده به خیمه درون تخت زر
همه پیکر تخت زر و گهر

نشسته بر او شاه توران سپاه
به چنگ اندرون گرز و بر سر کلاه» (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۳۴۸)

بنا بر این واژه خیمه، گاه در اشاره به اقامتگاه شاه و بزرگان و گاهی برای عموم مردم و لشکریان به کار رفته است و به گروه و طبقه خاصی از افراد تعلق نداشته است. احتمالاً خیمه‌های سلطنتی در مقایسه با آنچه برای عموم مردم و لشکریان به کار می‌رفته است، بزرگ‌تر، رفیع‌تر، پرتکلف‌تر، از پارچه‌های مرغوب‌تر و به همراه نقوش و تزئینات بیشتر ساخته می‌شدند. تصاویر ۳ و ۲ همچنین نشان می‌دهند که در هر دو کارکرد خیمه تیرک‌های نازکی در درون جداره پارچه‌ای وجود داشته، که به ایستایی آن کمک می‌کرده است.

در *سفرنامه کلاویخو* عباراتی همچون «چادرهایی که با طناب به زمین استوار می‌شوند» (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۴۵ و ۲۷۶) معرف خیمه‌ها هستند که در اردوی کان گِل، بیشترین تعداد سازه‌های چادری را به خود اختصاص داده بودند (اندروز، ۱۹۸۰: ۵۴۸). کلاویخو جنس و رنگ دو نمونه از خیمه‌های برافراشته در این اردو را توصیف می‌کند. یکی از آن‌ها، که در سراپرده شاهی برپا شده بود، از مصالح بسیار گران‌بها ساخته شده بود و پوشش آن از پرده‌های سرخ، مانند مخمل زبر و آهاردار بود (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۴۵). دیگری، متعلق به سراپرده خانم بزرگ، طناب‌های سبزرنگ داشت و پوشش آن از بیرون با پوست سنجاب و از درون با پوست نسبتاً کم‌بهارتری پوشیده شده بود (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۷۶).

کلاویخو به طور مستقیم به شکل و فرم خیمه‌ها اشاره نکرده است؛ مگر در یک مورد که در خلال توصیف سازه چادری دیگری، نقل می‌کند که سازه مزبور از نوع خیمه است، با این تفاوت که مربع‌شکل است (۱۸۵۹: ۱۴۳). به این ترتیب می‌توان حدس زد که خیمه‌ها مدور بودند. این حدس به کمک شاهدی از *ظفرنامه*، که خیمه‌ها را به ستاره تشبیه کرده است، تأیید می‌شود:

«ز سبزه رخ خاک پیدا نبود / ز خیمه زمین پر ستاره نمود» (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۵۱۲)

«کندلان» واژه‌ای دیگر است که از زبان مغولی وارد زبان فارسی شده و در کتاب *رساله فلکیه*، در اواخر دوران ایلخانی، در مقام یکی از انواع سازه‌های چادری ذیل گروه «خیام» طبقه‌بندی شده است (اندروز، ۱۹۸۰: ۵۷۰-۵۷۱). این لغت در متن *ظفرنامه* فقط دوبار به کار رفته است و توضیحات سیاق آن به قدری اندک است که نمی‌توان به ویژگی خاصی از آن پی برد. تنها از روایتی که یوسف صوفی از خوارزم دختر خود، خانزاده سوین بیگ، را برای ازدواج با امیرزاده جهانگیر با جهیزیه‌ای شامل صد کاروان خیمه و خرگاه و کندلان به سمرقند فرستاد (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۱۸۴)، می‌توان حدس زد که احتمالاً کندلان سازه‌ای رایج در نواحی خوارزم بوده است و توضیح بیشتری در این باره وجود ندارد.

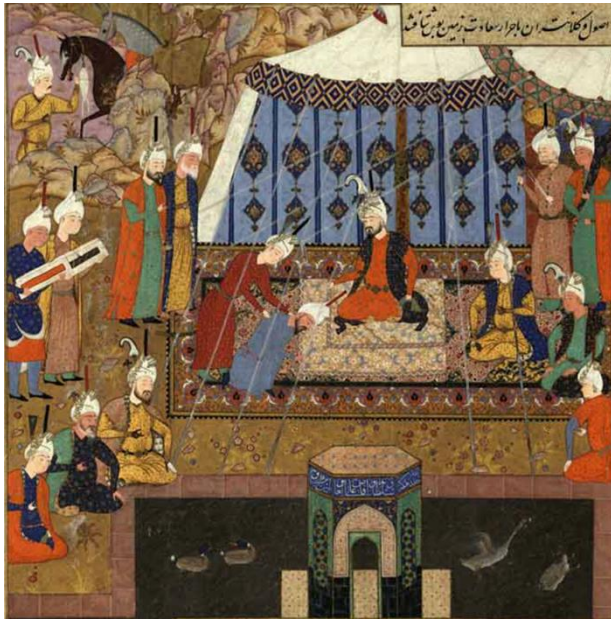
۳. بارگاه (بارگه)

روایات *ظفرنامه* نشان می‌دهد که اختصاص نام «بارگاه» و یا مخفف آن «بارگه» به قسمی از سازه‌های چادری، تنها به واسطه کارکرد آن، یعنی بار دادن، بوده است و اشاره به شکل و یا نحو خاصی از برپایی ندارد. در واقع بارگاه بزرگ‌ترین، رفیع‌ترین و پرتکلف‌ترین خیمه در اردوی شاهی بوده که افراد برای ملاقات با تیمور، در آن بار می‌یافتند. نظم زیر از *ظفرنامه*، علاوه بر آن که بیان می‌کند بارگاه از همان نوع خیمه بوده که به کمک ستون و طناب برپا می‌شده است، ظاهر آن را توصیف و یکی از ملاقات‌های تیمور با سران جهان را روایت می‌کند:

زده بارگاهی بریشم طناب	ستونش زر و میخش از سیم ناب
به گوهر بیاراسته تخت زر	نشسته برو خسرو تاجور
سران جهان جمله در پیشگاه	سر افکنده در سایه یک کلاه
کمر در کمر تاجداران دهر	به پیش جهان جوی پیروز بهر
نخستین ز جلاب نوشین سرشت	زمین گشت چون حوض‌های بهشت

نهادند خوان، آنگهی بی دریغ گراینده شد گرد عنبر به میغ (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۵۴۵)

چنانچه این نظم وصف می کند، بارگاه به کمک طناب‌هایی از ابریشم، ستونی از طلا و میخ‌هایی از نقره برپا شده بود. حتی اگر چنین توصیفی اغراق پنداشته شود، کلیت وصف حاکی از پرتکلف و تجمل بودن بارگاه است. تقریباً در سراسر متن *ظفرنامه*، هر جا سخن از بارگاه به میان می‌آید، با ترکیبات و تشبیهاتی، همچون «بارگاه کیوان اشتباه»، «به اوج گردون برآمدن»، «رشک چرخ نهم بودن» و «سر بر ماه برافراختن» (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۳۹۳)، بر رفعت و بلندی آن تأکید می‌کند. می‌توان حدس زد از آن‌جا که بارگاه محل ملاقات شاه با افرادی از قبیل حاکمان زیردست و فرستادگان کشورهای دیگر بوده، لذا راهی برای نمایش ثروت و قدرت او محسوب می‌شده و می‌بایست از بیشترین شکوه و جلال برخوردار بوده باشد. همچنین در روایت بالا نقل شده است که برپایی ضیافت و پذیرایی از سران جهان و



تصویر ۳: به احراز سعادت زمین بوس شتافتن اصول و کلانتران و کلویان

(یزدی، ۹۳۵ق: ۲۳۰)

«نشست خسرو گردون به بارگاه حمل به نام نامیه منشور داد بهر عمل» (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۵۷۱)

تاجداران دهر که برای ادای احترام به نزد تیمور آمده بودند، در بارگاه انجام صورت پذیرفته بود؛ که این توضیح تأکیدی بر وسعت و بزرگی آن مکان است. نگاره تصویر ۳ بار دادن تیمور به تمام اصول و کلانتران و کلویان، در بارگاهش در ظاهر شهر شیراز نمایش می‌دهد. علاوه بر کارکرد بار دادن، بیت زیر در تشبیهی رسیدگی به کارهای حکومتی و دیوانی را در بارگاه

نشان می‌دهد:

کلاویخو در گزارشش، به طور مستقیم خیمه‌ای را با نام بارگاه نمی‌خواند، اما در لابه‌لای توصیفی مبسوط از یک خیمهٔ عظیم، بیان می‌کند که تیمور «در آنجا می‌نشیند و بار می‌دهد» (۱۳۳۷: ۲۴۳)؛ بنا بر این خیمهٔ مذکور بارگاه بوده است. او شرح می‌دهد که این بارگاه بسیار بزرگ درون سراپردهٔ شاهی قرار داشت و به طرز غریبی بر خلاف بقیهٔ خیمه‌ها مربع‌شکل بود. هر ضلع آن صد گام طول داشت و ارتفاعش به اندازهٔ سه نیزهٔ بلند می‌رسید. سقف آن گنبدی ساخته شده بود و دوازده تیر به قطر سینهٔ یک مرد، به رنگ‌های آبی و طلایی و دیگر رنگ‌ها آن را نگه می‌داشتند. در بیرون چهار جدار بارگاه، چهار خیمهٔ کوچک دیگر، همچون هشتی، برپا شده بود که پارچهٔ پوشش آن‌ها به خیمهٔ اصلی وصل شده بود. مجموعهٔ این بارگاه به کمک سی و شش تیر و پانصد طناب سرخ‌رنگ استوار شده بود. جدار داخلی از پرده‌های سرخ‌رنگ با نقوش گوناگون تهیه شده بود و در جاهای مختلفی از آن پارچه‌های ابریشمی رنگارنگ، که با نخ زری گلدوزی شده بودند، آویخته شده بودند. جدارهٔ بیرونی هم از پارچه‌های ابریشمی با راه‌های سفید و سیاه و زرد تهیه شده بود. در گوشه‌های بیرونی بارگاه، چهار برج شبیه به برج‌های استحکامات قرار داشت که آن‌ها هم از پارچهٔ ابریشمی ساخته شده بودند، به طوری که این مجموعهٔ عظیم از دور همچون کاخی به نظر می‌رسید. (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۴۲-۲۴۳)

این بارگاه همان است که در *ظفرنامه*، به هنگام جشن ازدواج شاهزادگان در اردوی کان گل، به این ترتیب توصیف شده است: «و دوازده پای عالم‌آرای را که ظاهرش از سقرلاط هفت‌رنگ و اندرونش از مخمل الوان بود، به طناب‌های ابریشمین و ستون‌های منقش و قفیزهای زرین، حشری گران از فراشان به یک هفته بر پای کرده بودند وسعت سایه‌اش گنجایش استظلال قریب ده هزار کس داشت» (یزدی، ج ۲، ۱۳۳۶: ۴۲۴).

۴. خرگاه (خرگه)؛ وثاق؛ تتق

در متن *ظفرنامه*، غالب اوقات واژه «خرگاه» و صورت مخفف آن «خرگه»، در همنشینی با واژه «خیمه» و به دنبال آن به کار رفته است و می‌توان از استعمال این دو واژه در شرایط برابر، کارکرد نسبتاً مشابهی استنباط کرد. بر طبق شواهد، به نظر می‌رسد تفاوت این دو سازه چادری نه در کارکرد و کاربردشان، که در چگونگی ساخت و برپایی‌شان بوده است؛ بدین صورت که بر خلاف خیمه، برپایی خرگاه نیازی به طناب نداشته و به کمک شبکه‌ای از تیرهایی که در دیوار آن‌ها تعبیه شده بود، بر روی زمین استوار می‌شدند. تصویر ۴ و گوشه تصویر ۵ و توضیح کلاویخو در چستی و چگونگی یکی از این خرگاه‌ها، این امر را روشن می‌سازد:

در میان چادرها یک چادر نظر ما را گرفت که گرد بود، اما از نوعی غیر از نوع چادر سابق‌الذکر [= خیمه] بود. زیرا این چادر با طناب در جای خویش استوار نگشته است و تجیرهای آن بر تیرهایی استوار هستند به اندازه قطر نیزه‌های ما که آنها را در میان برزنت فرو کرده و جای داده‌اند؛ چنانکه دو چوب صلیب‌وار یکدیگر را قطع می‌کنند. در کنار این تجیرها تیرهای بلند دیگری افراشته‌اند، که قسمت فوقانی چادر را، که سقفی است گنبدوار، نگاه می‌دارد. تجیرهای چادر یعنی تجیرهای زیرین و تیرهایی که بر بالای آنها قرار دارند تا به سقف چادر برسند، با نوارهایی به هم پیوسته و متصل گشته‌اند و پهنای این نوارها یک بدست است. این نوارها تا به زمین می‌رسند و در آنجا با میخ‌های چوبی به زمین می‌خکوب می‌شوند و این‌ها تجیرها را کشیده و باز نگاه می‌دارند. (۱۳۳۷: ۲۴۴)

در جایی از *ظفرنامه* نقل شده است که «نشیمن دشتیان در آن بیابان بی‌پایان، خرگاه کوترمه می‌باشد که آن را چنان ساخته‌اند که از هم نمی‌گشایند و همچنان زده می‌نهند و برمی‌دارند و هنگام حرکت و کوچ، آن را بر گردون نهاده، روان می‌شوند» (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۳۹۸). این توضیح نوعی خرگاه را معرفی می‌کند که بدون نیاز به طناب برپا می‌شده است.

خرگاه ریشه در سنن قبایل ترک آسیای مرکزی داشته (اندروز، ۱۹۸۰: ۵۴۴) و از مخترعات ترک بن یافت بن نوح بوده است (یزدی، ج ۱، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۳). در قبیله تایمانی، از قبایل فارسی‌زبان افغانستان، این قسم از سازه‌های چادری بدون طناب هنوز هم به نام خرگاه خوانده می‌شوند (اندروز، ۱۹۸۰: ۵۵۷).

بنا بر گفته کلاویخو، اقامتگاه اصلی هر سراپرده، خرگاهی وسیع و نفیس بوده است (۱۳۳۷: ۲۴۷). وی خرگاه متعلق به خانم بزرگ را توصیف می‌کند که ورودی آن از دو در به گونه‌ای تشکیل شده بود که در صورت باز بودن یکی از درها، دید از درون خرگاه به بیرون میسر بود اما عکس آن امکان نداشت:

در میان چادرها، چادری بود بسیار بزرگ و بلند از آنگونه که بر تیرها استوار است و طناب ندارد. از بیرون با پرند سرخ بسیار زیبا پوشیده شده بود. این چادرها با پولک‌های طلایی که از بالا به پایین دوخته شده بود آرایش گشته بود. چادر هم از بیرون و هم از درون بسیار تماشایی بود. جنس پارچه تجیر آن سراسر با نقوش گوناگون آرایش یافته بود. این چادر دو دره بود که یک در پشت در دیگری قرار داشت. در بیرونی نیز دوجدار از میله‌های نازک سرخ‌رنگ داشت که با هم به صورت صلیب تلاقی می‌کردند. این درها با پارچه ابریشمی گلی‌رنگ شل‌بافت پوشیده شده بود و چنان بود که از آن به خوبی هوا داخل می‌شد و نیز هر کس که در درون چهار دیوار بود، بیرون را می‌توانست ببیند، اما آن که در بیرون بود، درون را نمی‌دید. در داخل چادر بسیار بلند بود، چنانکه یک سوار بر اسب خویش می‌توانست به آسانی از آن بگذرد. (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۷۲)

بیتی از *ظفرنامه* گواه کاربرد خرگاه برای لشکریان است و نشان می‌دهد خرگاه نیز همچون خیمه، مورد استفاده طبقات مختلف اردو بوده است:

«بسی خیمه و خرگه بی شمار زده پیش و پس لشکر نام‌دار» (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۵۱۲)

از تصویر ۴ که رای زدن فریدون با ایرج^۶ و تصویر ۵ که آوردن پسر یکی از قیاصره روم به نزد تیمور را نمایش می‌دهد و نیز نظمی که خرگاه شهریار را برای «بزم خاص و مجلس زمره اختصاص» وصف کرده است، می‌توان نتیجه گرفت که خرگاه مانند خیمه مدور بوده، اما برخلاف آن سری چنبرمانند و گنبدی داشته است:



تصویر ۴: رای زدن فریدون با ایرج در کار سلم و تور (فردوسی، ۱۳۹۲: ۸۳)



زده تکیه چو بر طارم چارمین آفتاب (یزدی،

وئاقی مدور بسان سپهر سپهری پر از ماه و ناهید و مهر
 درون و برونش مغرق به زر مرصع به یاقوت و در و گهر
 ز دیبا تتق بسته کرد اندرش پر از گوی عنبر سر و چنبرش
 یکی تخت زرین گوهرنگار نهادند در خرگه شهریار
 زده تکیه صاحبقران کامیاب چو بر طارم چارمین آفتاب
 (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۱۸۶)

در این نظم دو واژه وئاق و تتق نیز در ارتباط با سازه‌های چادری به کار رفته است. وئاق کلمه‌ای ترکی است (دهخدا)

و توجه به سیاق آن نشان می‌دهد که این لغت به طور عام به منزلگاه و مسکن اشاره دارد. بجز برای ۳۳۶: دو جاهی آمده است: «حضرت صاحبقران به وئاق امیرزاده پیرمحمد نزول فرمود و منزل پشاهزاده از آن حسن اتفاق، غیرت نهم رواق فیروزه طاق گردون گشت» (یزدی، ج ۲، ۱۳۳۶: ۱۱۵-۱۱۶) و یا در فقره‌ای دیگر در وصف شاهزاده جهانگیر درج شده است:

^۶ در سمت راست تصویر ۵، نگاره منسوب به کمال‌الدین بهزاد و متعلق به نسخه خطی ظفرنامه، قسمتی از یک خرگاه دیده می‌شود. از آنجایی که خرگاه در این نگاره و دیگر نگاره‌های این نسخه از ظفرنامه به صورت کامل تصویر نشده است، برای توضیح بیشتر، از نگاره‌ای دیگری کمک گرفته شده است که تحت نظارت همان نگارگر در شاهنامه شاه طهماسبی ترسیم شده است. ویژگی‌های اصلی خرگاه در هر دو نگاره مشابه می‌باشد.

عنوان مقاله: خیمه‌ها و سرپرده‌های تیموری به روایت ظفرنامه یزدی و سفرنامه کلاویخو

«ز قصر قدر او ایوان کیوان وثاقی مسکن هندوی دربان» (یزدی، ج ۲، ۱۳۳۶: ۳۱۸)

چنانچه از متن زیر برمی آید، این منزلگاه قابل حرکت نیز بوده است: «لاجرم کثرت سواد اردوی همایون به مرتبه‌ای رسیده بود که اگر کسی وثاق خود گم می کرد به یک ماه و دو ماه باز نمی یافت» (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۳۹۸). این متن بلافاصله پس از خرگاه کوترمه، که وصف آن پیش تر ذکر شد، نقل شده و کلمه وثاق اشاره بدان خرگاه دارد. بدین سان از روی این شواهد و نظم بالا می توان دریافت که وثاق اتاقی مدور و قابل حمل شبیه به خرگاه بوده است. در *ظفرنامه* توضیح بیشتری در مورد جنس پوشش آن نیامده است و کلاویخو نیز اشاره‌ای به آن نکرده است، اما اندروز وثاق را قسمی از سازه‌های چادری مشابه خرگاه می داند که هنوز هم در میان ازبکان استفاده می شود (۱۹۸۰: ۵۹۹).

واژه تتق در *ظفرنامه*، غالباً در ترکیباتی همچون «مخدره تتق عصمت و ابهت»، «مخدرات تتق عظمت و جلال»، «مخدرات تتق سلطنت و کامگاری» و نظایر آن به کار رفته است که به نظر می آید به حرم سرا و پرده اشاره دارد. دو مثال زیر این حدس را تأیید می کنند؛ یکی تشبیه «و از غایت اخلاص و اختصاص هر مراد که در موقف دعا از حضرت کبریا مسألت می نماید، مخدره استجابت از تتق غیب بی توقف چهره می گشاید» (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۸۶) و دیگری روایت «از مخدرات تتق عظمت و جلال، سرای ملک خانم و تومان آغا را به آغرق بگذاشت و چلیپان ملک آغا و در سلطان آغا را نصرت آسا مصاحب موکب همایون گردانید» (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۴۱۷-۴۱۸). از این رو می توان گفت واژه تتق مجازاً به کارکرد حرم و اقامتگاه اصلی سرپرده اشاره داشته است که چنانچه ذکر شد، از نوع خرگاه بوده است.

۵. سایبان؛ شامیانه

بر اساس آنچه در *ظفرنامه* آمده است، سایبان بر آن دسته از سازه‌های چادری دلالت می کند که فاقد جداره بوده و فقط سقفی پارچه‌ای داشته‌اند؛ چنانچه در متن زیر سایبان به ابر تشبیه شده است: «فراش صنع، و ینشی السحاب

الثقال، سایبانِ کُحلی پرنیان ابر از کران تا کران آسمان برافراخت و برفی گران و بارانی طوفان‌نشان ببارید» (یزدی، ج ۲، ۱۳۳۶: ۴۵۲). نظم زیر نشان می‌دهد که سایبان بر روی ستون‌هایی استوار و برای استفاده شاه برپا شده بود:

چل استون زده سایبانی دگر	به طول و به عرض آسمانی دگر
مرصع یکی تخت زرین به پای	نشسته برو شاه کشورگشای
خواتین فرخ رخ نازنین	در آن سایبان جمع چون حور عین (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۵۱۲)

واژه سایبان در این کتاب، در بیشتر موارد به دنبال واژگان خیمه و خرگاه آمده و نشان از برپایی به همراه آن‌ها دارد. بنا بر این سایبان نیز همانند خیمه و خرگاه به گروه و طبقه خاصی از افراد تعلق نداشته و عموم مردم و لشکریان هم از آن استفاده می‌کردند. سایبان به خاطر ایجاد فضای نیمه‌باز، پاسخگوی خواسته‌ها و نیازهای متفاوتی نسبت به دیگر انواع سازه‌های چادری بوده است و آن را به منظور استفاده از سایه‌ای که ایجاد می‌کرده و دفع مزاحمت آفتاب، به صورت مستقل و منفرد و یا در مقابل ورودی خیمه‌ها و خرگاه‌ها برپا می‌کردند.



همان‌طور که تصویر ۵ نشان می‌دهد و کلاویخو در توصیف یکی از سایبان‌های اردوی کان‌گل، بیان می‌کند، سایبان به کمک ستون‌ها و طناب‌هایی مهار می‌شد. وی همچنین به طور ضمنی اظهار می‌دارد که یکی از کارکردهای سایبان، محل انتظاری پیش از صدور اجازه بار یافتن بوده است:

تصویر ۵: آوردن پسر یکی از قیاصره روم به نزد تیمور توسط ایلچیان
(یزدی، ۹۳۵: ۵۲۰)

به مجرد آن که به آن جا که تیمور بود، یعنی سراپرده شاهی، رسیدیم، اندک زمانی ما را در زیر سایبانی بزرگ منتظر نگه داشتند. این سایبان را که از کتان سفید بافته و بر آن گلدوزی کرده بودند، در عقب تیرهایی داشت که آن را استوار نگاه داشته بود و ریسمان‌هایی هم به آن‌ها بسته بودند. سایبان‌های همانندی در دیگر جاهای اردو یافت می‌شد که همه طولانی و مرتفع بودند تا نسیم از آن همواره بگذرد. (۱۳۳۷: ۲۴۱-۲۴۲)

کلاویخو همچنین سایبانی را توصیف می‌کند که در مقابل بارگاه برپا شده بود: «در برابر در این چادر [بارگاه] سایبانی از پارچه ابریشمی رنگارنگ برافراشته‌اند. این سایبان بر فراز در سایه می‌افکند. و نیز این سایبان را می‌توان به این سو و آن سو کرد تا از آفتاب که از هر جهت که بتابد جلوگیری شود.» (۱۳۳۷: ۲۴۶) به نظر می‌رسد که این نوع سایبانی که همراه با بارگاه برپا شده بود، همان باشد که در ظفرنامه از آن با عنوان «شامیانه» یاد شده است.

واژه شامیانه نیز مانند کندلان، تنها دوبار در متن کتاب ذکر شده است. اما در هر دو بار به اختصاص آن به شاه اشاره شده است. در یک مورد آمده است که: «حضرت صاحب‌قرانی چون به پای قلعه سفید رسید، [...] شامیانه و بارگاه گردون اشتباه بر بالای کوهی که به قلعه پیوسته بود، به اوج سپهر برافراشتند و صاحب‌قران کامکار به سعادت و اقبال نزول فرمود» (یزدی، ج ۱، ۱۳۳۶: ۴۳۰-۴۳۱). در فقره دیگر به وضوح به کارکرد شامیانه اشاره شده است:

صاحب‌قران بی‌همال به سعادت و اقبال بر بالای پشته‌ای — که شامیانه خسروانه به اوج سپهر برین برافراخته بودند — بنشست، و لشکر فوج فوج و گروه گروه مکمل و مزین، از فرق راکب تا نعل مرکوب، غرق آهن به ترتیب می‌گذشتند و هر فوج که به مقابل صاحب‌قران، که در جهان مقابل نداشت، می‌رسیدند مقدم ایشان پیش آمده، زانو زده، اسب می‌کشید و زبان اخلاص را به دعا و ثنای آن حضرت می‌آراست. (یزدی، ج ۲، ۱۳۳۶: ۲۹۴)

بدین ترتیب از آن جهت که شامیانه را در کنار بارگاه، برای تیمور برافراخته بودند و وی در آنجا با دیگران ملاقات

می‌کرد، نتیجه می‌شود که این دو سازه چادری، کارکردی مشابه یا مکمل داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

واژگان و اصطلاحات اصیلی که به انواع سازه‌های چادری در دوره تیموری دلالت می‌کند و در *ظفرنامه* یزدی به کار رفته، عبارت‌اند از سراپرده، خیمه، کندلان، بارگاه، خرگاه، وثاق، تتق، سایبان و شامیانه. مجموع منابع متنی و تصویری به کار گرفته در این مقاله *ظفرنامه*، *سفرنامه* کلاویخو، نگاره‌های منسوب به کمال‌الدین بهزاد در یکی از نسخ خطی *ظفرنامه* و نیز نگاره‌های *شاهنامه* شاه طهماسبی که تحت نظارت همو ترسیم شده است، هستند که نشان می‌دهند هر یک از این اسامی بر نوع و کارکرد مشخص و معینی از سازه‌های چادری با ویژگی‌های صوری متنوعی دلالت داشته‌اند. برخی از این واژگان اصیل در اثر گذشت زمان و به سبب از بین رفتن مصداق‌های آن از دست رفته و فراموش شده و یا معنایشان تغییر کرده است، که شناخت آن‌ها و دانستن خصوصیات ظاهری و کارکرد هر یک موجب گسترش دامنه لغات مربوط به این حوزه از فرهنگ و هنر و در نتیجه افزایش اشتراکات زبانی با منابع دست اول تحقیق در این باب می‌شود.

فهرست منابع و مآخذ

کتابها:

- کلاویخو، روی گنزalez (۱۳۳۷)، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۳۶)، *ظفرنامه*، به اهتمام محمد عباسی، ۲ج، تهران، امیرکبیر.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷)، *ظفرنامه*. به تحقیق و تصحیح سید سعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی، ۲ج، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

منابع انگلیسی:

Books:

- Clavijo, Ruy Gonzalez (1859), *Narrative of the Embassy of Ruy Gonzalez de Clavijo to the Court of Timour at Samarcand A.D. 1403-6*, Hakluyt Society, London.
- Clavijo, Ruy Gonzalez (1337), *Narrative of Clavijo*, translator Masoud Rajab-nia, Tehran, Bongah-e tarjomeh va nashr-e ketab.
- Yazdi, Sharaf-aldin Ali (1336), *Zafar-nameh*, editor Mohammad Abbasi, Tehran, Amir kabir.
- Yazdi, Sharaf-aldin Ali (1336), *Zafar-nameh*, editors Seyyed Saeed Mir mohammad sadeq and Abd-alhossein Navaee, Tehran, Ketabkhaneh muze va markaz-e asnad-e majles-e shovra-e Eslami.

PHD Thesis:

Andrews, Peter Alford (1980), "The Felt Tent in Middle Asia: The Nomadic Tradition and its Interaction with Princely Tentage", Doctor of Philosophy.

Articles:

Gronke, Monika, (1992), "The Persian Court between Palace and Tent: from Timur to Abbas I", *Timurid art and culture: Iran and central Asia in the fifteenth century*, Leiden: E. J. Brill, pp.18-22.

O'Kane, Bernard, (1993), "From Tents to Pavilions: Royal Mobility and Persian Palace Design", *Ars Orientalis*, (23), University of Michigan, pp.249-268.

Wilber, Donald, (1979), "The Timurid court: Life in Gardens and tents", *Iran*, (17), British institute of Persian Studies, pp.127-133.

منابع تصاویر:

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۲)، *شاهنامه شاه طهماسبی*، تهران، فرهنگستان هنر و مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری.

یزدی، شرف‌الدین علی (۹۳۵ ق)، *ظفرنامه*، نسخه خطی به کتبه سلطان محمد نور و ذهبه میرعزاد و صورت بهزاد، شماره دفتر ۷۰۸، نگهداری شده در کتابخانه کاخ گلستان.

Timurid Tents and Enclosures based on the Juxtaposition of *Zafar-nameh* of Yazdi and *Narrative of the Embassy of Ruy Gonzales de Clavijo*

Mohsen Naseri⁷

Zeinab Saadeqi⁸

Abstract:

As the histories record accounts, alluding to contexts of events is unavoidable; so they include some descriptions of the handicrafts belonging to the context, therefore, the histories can be placed among the main resources of art and culture subjects. Subjects such as tents, which were very usual in Timurid time. Different kinds of Timurid tents were introduced by various native terms in the histories such as *Zafar-nameh*. However, the tents due to being used routinely those days and writing about such things in the histories was disdained, there are few detailed descriptions of them in the book and most of them are couched in literary terms. So the lack of information cannot depict their characteristic features thoroughly. Fortunately, the absence is eliminated by Clavijo's

⁷ Textile Design Instructor, Semnan University

⁸ MA student of Iranian Architectural studies, Shahid Beheshti University

descriptions in his book, contemporary with *Zafar-nameh*. As the tourists and visitors are more interested in unusual things, which are almost rare in their lands, they give much more explanations. Clavijo, the ambassador of Spain, has compiled an extremely detailed account on the various tents during his journey to Timur territory. This article, based on resources, extracts the names referred to tents from *Zafar-nameh* at first, and a general meaning of each word according to the context. Then by the juxtaposition with *Narrative of the Embassy of Ruy Gonzales de Clavijo* brings the detailed descriptions to complete the depiction of various tents. However, passing the centuries after Timurid time and extinction of some kinds of tents have made their names disused and forgotten or their meanings completely changed.

Goals:

1. Reintroduction the customary terms referring to different kinds of tents, which have been used during the Timurid dynasty and territory but nowadays get unused and extinct or totally forgotten, according to *Zafar-nameh* as a history of that time.
2. Finding out the characteristic features of various Timurid tents, based on the juxtaposition of two contemporary accounts, which have different points of view and cover their lack of information: of a Persian (*Zafar-nameh*) and a foreign (*Narrative of the Embassy of Ruy Gonzales de Clavijo*).

Questions:

1. What words and terms were used for different kinds of tents during Timurid dynasty and territory?
2. What were the characteristic features of the various customary tents in the Timurid Time, such as function and purpose, erection method, shape, dimension and measurement, textile, pattern and ornamentation?

Keywords: The Timurid dynasty, enclosure, guyed tent, trellis tent, awning.